

بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره) [◇]

سید حامد عنوانی¹
سید حسین سیدموسوی²
وحیده فخر نوغانی³
سیدمرتضی حسینی شاهرودی⁴

چکیده

هدف: مطالعه حاضر با هدف بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره) انجام شد. **روش:** روش انجام این تحقیق، کتابخانه‌ای بود که با روش تحلیل داده‌ها از آثار امام خمینی انجام شد. بدین صورت که ضمن ارائه تعریف سبک زندگی سیاسی با ترسیم مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحقق سبک زندگی سیاسی، امکان تحقق این سبک در ساحت زندگی سیاسی امام، بررسی و با بررسی جایگاه عرفانی ایشان، نحوه ضرورت یافتن آن سبک تبیین شد. **یافته‌ها:** تحقق سبک زندگی سیاسی، مستلزم برخورداری صاحب سبک از باورهای فکری خاص، تشخیص مهم‌ترین وظایف و اهداف سیاسی و در نهایت، الزام به تحقق سبک در ساحت زندگی سیاسی بود. علاوه بر آن، عواطف و شرایط محیطی صاحب سبک بایستی با باورها و تلقی او از سیاست رابطه هم‌افزایی داشته باشد. همچنین سبک‌پذیری مخاطبان و پیروان صاحب سبک، شرط نهایی برخورداری از سبک بود. **نتیجه‌گیری:** سبک زندگی سیاسی امام از فاخرترین سبک‌های این ساحت از زندگی بود. امکان تحقق سبک، ریشه در نگرش فقهی و فلسفی ایشان داشت، ولی ضرورت تحقق آن در ساحت زندگی سیاسی، در پی‌ریزی و رهبری یک انقلاب مردمی - الهی، ناشی از مقام عرفانی امام بود.

واژگان کلیدی: امام خمینی، سبک زندگی سیاسی، سبک‌پذیری، انسان کامل.

◇ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۲۴؛ تصویب نهایی: ۹۸/۰۷/۲۹.

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام از دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. دکتری فلسفه و کلام اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشیار گروه معارف دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) / نشانی: مشهد؛ خیابان پاسداران، پاسداران ۴/۱، پلاک ۲۴ / شماره: ۰۵۱۳۸۸۰۵۹۶۹ /
Email: shmosavi@um.ac.ir
۳. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام از دانشگاه فردوسی مشهد / استادیار گروه معارف دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. دکتری فلسفه تطبیقی از دانشگاه قم / استاد گروه فلسفه و حکمت دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

الف) مقدمه

«سبک زندگی» از مهم‌ترین مسائل علوم انسانی است. این موضوع، همانند دیگر مفاهیم دنیای مدرن، گفتمانی جدید و دانشی فراگیر محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع از آنجاست که تحقق پیشرفت و توسعه مادی و معنوی یک جامعه در گرو رواج سبک زندگی صحیح و متعادل در بین افراد آن جامعه است. اینکه افراد یک جامعه مطابق چه سبکی زیستن خویش را برگزینند، تأثیر شگرفی بر وضعیت اجتماعی و تمدنی آن جامعه خواهد داشت. امروزه، سبک زندگی تنها محدود به روان‌شناسی نیست و در رشته‌های مختلف علمی، کاربردهای گوناگون دارد (آنساچر،^۱ ۱۹۶۷: ۲۰۱-۲۰۳). سبک زندگی در هر ساحتی از زندگی، عبارت از شیوه‌های خاص مواجهه با مهم‌ترین وظایف است که به سبب نیل به اهداف تعیین شده حاصل از باورها، عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد (عنوانی، ۱۳۹۶: ۹۷). با وجود آثار متعدد علمی در موضوع سبک زندگی، شاهد نوعی غفلت در سبک زندگی سیاسی هستیم. انسان، موجودی اجتماعی است و سیاست یکی از ساحت‌های زندگی اجتماعی او و جزء بسیار مهمی از کلیت زندگی انسان است؛ به گونه‌ای که موضوع محوری سیاست، زندگی عمومی انسان و چگونگی تدبیر آن به مقتضای شأن و مصالح انسانها دانسته می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۸۱). علاوه بر آن، اهمیت سیاست به گونه‌ای است که امروزه دل‌نگرانی اخلاقی برای کیفیت زندگی، ویژگی اصلی علم سیاست است و از همین رو، زندگی سیاسی فی‌نفسه غایت زندگی انسان محسوب می‌شود (بشیره، ۱۳۸۲: ۱۶، ۱۲). بر این اساس، پرداختن به سبک زندگی سیاسی بسیار حائز اهمیت است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که دستیابی به یک سبک زندگی سیاسی چگونه امکان‌پذیر است و در صورت امکان تحصیل سبک زندگی سیاسی و بهره‌مندی از آن، چگونه در زندگی سیاسی ضرورت می‌یابد؟ این سؤالات را بر اساس زندگی سیاسی امام خمینی پاسخ خواهیم گفت؛ زیرا ایشان شخصیتی معاصر و متخلّق به اخلاق الهی است که به صراحت ادعا می‌کند معادلات جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای را که تا کنون به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده، بر هم زده و چارچوب جدیدی بنا گذاشته است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۱: ۱۶۰). اقدام کم‌نظیر ایشان در تحقق بخشیدن به ارزشهای سیاسی - الهی در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و رهبری آن، زمینه‌ای مناسب را برای بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی ایشان فراهم آورده است.

هر چند در خصوص موضوع این مقاله برخی تحقیقات ارزشمند، از جمله مقاله «نقش معنویت‌گرایی دینی بر سبک زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران» (ابراهیم برزگر)، مقاله «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی» (شریف لک‌زایی) و نیز برخی از مقالات همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» وجود

۱. Ansbacher

۲۲۱ \diamond بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره)

دارد؛ اما با این حال، در مجموعه یاد شده، اثری که به صورت مستقل و مبنایی به بررسی امکان‌سنجی و ضرورت تدوین سبک زندگی سیاسی پرداخته باشد، مشاهده نمی‌شود. این مقاله برای یافتن پاسخ پرسشهای خود، ضمن ارائه تعریف سبک زندگی سیاسی با بررسی امکان سبک زندگی سیاسی امام و ترسیم مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحقق سبک در زندگی سیاسی ایشان، نحوه ضرورت یافتن وجود آن سبک را نیز تبیین می‌کند. با توجه به کثرت مشتاقان شناخت شخصیت و سبک زندگی امام خمینی، نتیجه این پژوهش می‌تواند اثربخشی بیشتری برای پذیرش در مخاطبان خود ایجاد کند. توجه به زندگی سیاسی امام خمینی در قالب تحلیل عینی سبک زندگی سیاسی ایشان، بیش از پیش منطق حاکم بر کلام و رفتار امام خمینی در حوزه سیاست را به جهانیان معرفی می‌کند. علاوه بر این، کمک می‌کند تا از جزئی‌نگری در تحلیل و درک رفتارهای امام و نیز سوء برداشتهای احتمالی در فهم شخصیت ایشان تا حد زیادی جلوگیری شود.

ب) امکان سبک زندگی سیاسی

کلیت سبک زندگی، برآیند سبک تمامی ساحت‌هایی است که هر فرد در طول زندگی‌اش با آنها مواجه می‌شود. نقطه عطف ارتباط سیاست و زندگی، از قرن بیستم و ذیل جریانی است که سعی می‌کند ویژگی‌های سیاست را به عنوان یک فرایند یا فعالیت بازشناسد. از این نگاه، می‌توان از امور سیاسی‌ای سخن گفت که ممکن است خارج از حوزه رسمی دولت نیز وجود داشته باشد. نتیجه بلافصل این رویکرد، گرایش به سمت عمومی ساختن فهم امور سیاسی و روابط قدرت در دانش سیاست است؛ بدین صورت که مفاهیم سیاسی همچون قدرت، دیگر وسایلی مکانیکی با ذات ثابت و طبیعی در دستان صاحبان آن نیستند، بلکه مفاهیمی اجتماعی‌اند که در زندگی روزمره انسانها در فعل و انفعال و انعطاف‌اند(خالقی، ۱۳۸۲: ۳۳۰-۳۲۹). از این رو، سیاست نه فقط با مسائل مربوط به حکومت، بلکه در امور روزمره‌ای مثل کلیساها، کمپانی‌ها، دانشکده‌ها و خانواده‌ها نیز جریان یافته است (لتبریج، ۱۳۸۷: ۱۸).

با تطور جایگاه سیاست، مشی انتخابی هر فرد در سیاست، جایگاه زندگی فرد را با همه اوصاف و جزئیاتش در مقیاس کلان اجتماعی و تاریخی تعیین می‌کند و مشخص می‌سازد که برآیند کلی زندگی فرد، در نهایت ذیل کدام جریان تاریخ‌ساز قرار می‌گیرد و این امر، مهم‌ترین اصل خصلت‌دهنده به زندگی است. بحث پیوند بین زندگی و سیاست تا آنجا پیش رفته است که برخی حتی زندگی را موضوع اصلی سیاست و سعادت حقیقی را در گرو توفیق در «زندگی سیاسی» می‌دانند(معافی، ۱۳۹۲: ۱۶). در یک تقسیم‌بندی، چهار عرصه اصلی برای زندگی در نظر گرفته شده که عبارتند از: فعالیت اقتصادی؛ سیاسی و عمومی؛ فرهنگی و ارتباطی و نیز زندگی روزمره و فعالیت بازتولید زندگی. مجموعه گزینشهایی که در هر یک از این عرصه‌ها انجام می‌شود- به شرط داشتن ویژگی‌های خاص در آن عرصه- می‌تواند به سبک زندگی در آن عرصه منجر شود؛ برای مثال می‌توان از سبک زندگی اقتصادی یا سبک زندگی سیاسی سخن گفت(فاضلی، ۱۳۸۲:

۷۰. بدین ترتیب، به دلیل تأثیر زیاد سیاست بر دیگر حوزه‌های مرتبط به زندگی، همچون اقتصاد و فرهنگ، یکی از مؤثرین ساحتها، ساحت زندگی سیاسی و یکی از مهم‌ترین اهرمهای انسجام‌بخش به کلیت سبک زندگی، شکل‌گیری و ثبات آن در حوزه سیاست است. بر اساس تعریف سبک زندگی، می‌توان سبک زندگی سیاسی را چنین تعریف کرد: «شیوه خاص مواجهه با مهم‌ترین وظایف سیاسی در ساحت سیاست که به سبب نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثرپذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد». از این رو، زندگی سیاسی به مثابه متغیری وابسته تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل پیشی، عاطفی و شرایط محیطی همسو و در تضاد با یکدیگر تشکیل می‌شود. البته سبک پس از تثبیت، به موجودیتی نسبتاً مستقل از مجموعه عوامل و اوصاف نخستین خود تبدیل می‌شود که به طور مستقیم رفتار صاحب سبک را جهت می‌دهد (عنوانی، ۱۳۹۶: ۹۷؛ فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). بنابراین، در امکان تحقق سبک، طی مراحل ذیل لازم است:

نخست باید نشان داده شود که صاحب سبک از باورهای فکری خاص، به تشخیص مهم‌ترین وظایف و اهداف سیاسی می‌رسد و سپس، ملزم به ادا و تحقق آنان می‌شود. از سوی دیگر، گاه در عین آگاهی به وظیفه و هدف، رفتار مناسب ادای وظیفه و نیل به هدف انجام نمی‌شود یا از باورها و وظایف متناظر با آن علوم، استنتاج نمی‌شود و به تبع آن، ادای تکلیفی هم صورت نمی‌پذیرد؛ زیرا در این دو حالت، عواطف با آگاهی‌ها همسو نیستند (برزگر، ۱۳۸۹: ۵۹-۵۸). از این رو، برای حصول سبک، اثبات برخورداری صاحب سبک از عواطف متوازن و همسو با عوامل پیشی، لازم است. بینشهای نظری متأثر از عواطف نیز نمی‌توانند سازنده سبک در زندگی باشند؛ زیرا عناصر پیشی در ارتباط متقابلی با عامل شرایط محیطی اند (کوکرام، ۱۹۹۷: ۳۲۲). از این رو، از دیگر شرایط تحقق سبک، برخورداری از شرایط محیطی متوازن و همسو با مهم‌ترین وظایف و اهداف سیاسی است.

ج) امکان سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره)

با توجه به تأثیر ژرف امام خمینی بر زندگی سیاسی مسلمانان و به ویژه مردم ایران در قرن بیستم، بررسی امکان تحقق سبک زندگی سیاسی ایشان اهمیت زیادی دارد. مطابق اعتقادات و التزامات وحیانی و توحیدی امام در زندگی سیاسی ایشان، احراز برخورداری از سبک زندگی سیاسی به شرح ذیل است.

۱. «باورها» و اهداف و وظایف سیاسی مبتنی بر آنها

با توجه به شخصیت امام، معارف فلسفی و فقهی، اثرگذارترین باورهای فکری ایشان را تشکیل می‌دهند که وظایف و اهداف زندگی سیاسی می‌توانند از این معارف شکل بگیرند.

یک) مبانی فلسفی و اهداف و وظایف سیاسی مترتب بر آن

مهم‌ترین مبانی فلسفی اثرگذار در شکل‌گیری سبک زندگی سیاسی، در دو موضوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی قابل بررسی است.

مطابق دیدگاه امام در هستی‌شناسی فلسفی، قدرت و مبدئیت خداوند، محیط به تمام موجودات است و به تبع آن، هر قدرت و اراده‌ای اصالتاً از خداست (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۰۱-۳۰۰). فاعل مستقل فقط «الله تعالی» است و سایر موجودات، در مرتبه ذات، صفات، آثار و افعال، از هر دو جهت ایجاد و بقا، عین فقر، تعلق و محض ربط به آن فاعل مستقل اند (امام خمینی، ۱۳۸۸/الف: ۱۰۱). سراسر نظام عالم وجود، بر پایه رحمت رحمانی بنا نهاده شده است؛ هستی، نقشه رحمت الهی و تبلور صفات رحمانی و رحیمی اوست. (همو، ۱۳۷۷: ۲۳۲، ۳۱۹)

از نتایج التزام به باورهای مذکور، این است که اراده الهی بر استیلائی مسلمانان بر همه مقدرات مردم عالم قرار گرفته است (همو، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۴). علاوه بر اینکه تمامی قدرتهای تسلیحاتی و دیپلماتیکی در ساحت سیاست، در برابر قدرت و اراده الهی، ذلیل و ناتوانند؛ این دو اصل، موجد نیروی محرکه معتناهی در لزوم ادای وظایف زندگی سیاسی است (همان: ج ۶: ۱۷۳؛ ج ۸: ۸۳، ۱۸۷؛ ج ۱۶: ۱۲۸). بزرگ‌ترین مصیبت بشریت، جهل به نفوذ اراده الهی در همه اجزای هستی است. این جهالت را می‌توان با حاکمیت دستورات اسلام رفع کرد و انسانها را به این باور رسانید که همه امور عالم تحت مدیریت الهی است تا بدین طریق آرامش از دست‌رفته‌شان به آنان بازگردد. (همان، ج ۲۰: ۱۴۷)

از ثمرات اعتقاد به اشتراک انسانها در نسبت عین‌الربطی همگی آنان در برابر خدا، رسالت ایجاد وحدت بین اقشار مردم به واسطه مبارزه با استبداد حکومتهای جور و رفع موانع نهادینه شدن دستورات عدالت‌محور شرایع توحیدی است (ر.ک: همان، ج ۱: ۲۲۴؛ ج ۲۰: ۵۷). وظیفه مهم برقراری «اخوت ایمانی» بین حکومتها، متفق کردن امت اسلامی برای مبارزه با طاغوتها و رهایی مردم از کفر جهانی (همان، ج ۲: ۲۰۱؛ ج ۱۳: ۴۴۵؛ ج ۲۱: ۴۲۸) و نیز معرفی تفرقه و اختلاف به عنوان ابزار بزرگ دشمن در ضربه به تحقق آرمانهای الهی (همان، ج ۳: ۲۰۴؛ ج ۱۸: ۱۳۵)، از دیگر تأثیرات مهم این مبنای فکری است. در نظام خیر، هر گونه ظلم و ستمی فارغ از اهداف آن، بر خلاف قانون الهی است. از این رو، تقسیم‌بندی کشورها به دو دسته ظالم و مظلوم، تقسیم‌بندی ایدئولوژیکی و مبتنی بر نگرش هستی‌شناسانه است. این نگرش بر پایه تقابل جهان‌بینی توحیدی و جهان‌بینی مادی استوار است. بر اساس این اعتقاد، فراخوانی همگانی برای تحقق برقراری نظام عادلانه جهانی با شعار «هرکس در هرکجا که مظلوم باشد، ما طرفدار او هستیم»، سرلوحه اقدامات عملی قرار می‌گیرد (همان، ج ۵: ۱۴۸؛ ج ۱۳: ۷۰). امام علاوه بر اینکه تمامی دوران زندگی سیاسی خود را مرهون رحمت الهی می‌داند، هویت انقلاب اسلامی تحت رهبری خویش را نیز از مظاهر رحمت الهی برای نجات مسلمانان و جمیع مستضعفان و محرومان جهان معرفی می‌کند. (همان، ج ۵: ۴۹۴؛ ج ۷: ۲۳۴؛ ج ۱۶: ۳۹۲؛ ج ۱۷: ۳۱۷)

با اعتقاد به خدایی که مبدء هستی و منشأ خیر و رحمت مطلق دانسته می‌شود، مقدس‌ترین هدف در زندگی، کوشش برای تحقق عملی مکتب توحید است. مقدمه رسیدن به این مهم در ساحت زندگی سیاسی، تحقق عینی احکام و ضوابط توحیدی در عینیت زندگی بشر در حد میسور است (همان، ج ۲۱: ۷۷). از آنجا که رسیدن به این هدف جز با رفع موانع تحقق برپایی و بسط حاکمیت عدالت و حکومت اسلامی محقق نمی‌شود، آرمان مبارزه با طاغوتها و تلاش برای نابودی مستکبرین به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اولی توحید، هدف متوسط زندگی سیاسی قلمداد می‌شود (همان، ج ۳: ۳۷۲؛ ج ۷: ۵۳۱؛ ج ۲۱: ۳۱۶). نیل به این هدف متوسط، درگرو هدف مهم ولی نازل‌تری طراحی و تأسیس می‌شود؛ زیرا رویارویی با منکران توحید و بسط جامعه توحیدی، منوط به تأسیس نظامی تشکیلاتی در شکل برپایی حکومت دینی است. (همان، ج ۸: ۴۲)

مطابق دیدگاه امام در انسان‌شناسی فلسفی، انسان مصداق عینی رحمت الهی است (همو، ۱۳۷۷: ۲۴۰). مناط انسانیت و نیز لُب وجود انسان و به تبع آن مناط کرامت و شرافت انسان، نفس ناطقه انسانی است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۷-۸، ۴۵-۴۳). نفس ناطقه برخوردار از دو نوع قوه ادراکی و تحریکی است. قوه ادراکی، شامل قوه عقل نظری و عقل عملی و قوه تحریکی شامل قوه غضب، شهوت و خیال است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱، ۱۵۱). سیطره سه قوه وهم، غضب و شهوت می‌تواند آن حقیقت مجرد و نفخه الهی را اسیر و محجوب خود گرداند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۵، ۵۷). نفس انسان مستعد دریافت همه حقایق و نیل به همه مراتب کمالی یا سقوط به سمت پست‌ترین شقاوتهاست (همان، ج ۱: ۲۹۹؛ ج ۳: ۴۸۱-۴۸۰). ملاک انسانیت، «ولادت دومین» یا «ولادت ملکوتی» است که به واسطه آگاهی و عزم برای حرکت به سوی هدف از آفرینش خویش حاصل می‌شود؛ زیرا هدف نهایی زندگی بشر، وصول به باب‌الله و فنا در ذات‌الله است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۶۳). ولادت دوم با بهره‌مند شدن قوه عقل از قدرت تمیز بین خیر و شر همراه است (همو، ۱۳۷۱: ۲۳۷). این تمیز، واسطه آزادی در انتخاب سرنوشت در دوراهی حق از باطل و خوشبختی از نگون‌بختی است (همو، ۱۳۸۷: ۳۳). از سوی دیگر، وصول به سعادت توسط قوه عقل، به تنهایی میسر نیست و انبیا و اولیا برای یاری این قوه از جانب خداوند فرستاده می‌شوند تا با کمک ایشان، قوه عقلانی انسان به فعلیت برسد و بر تمام شئون و قوای دیگر چیره شود و بلکه در سیطره عقل کل که همان دستور شرع است، قرار گیرد. (همان: ۱۷۰-۱۶۸، ۲۰۰، ۱۳۸۵؛ ج ۸: ۴۱۴-۴۱۳)

با التزام به انسان‌شناسی فلسفی امام، خلقت رحمانی انسان ایجاب می‌کند بتوان انسانها را برای «اقامة عدل» و «اجتناب از ظلم» تجمیع کرد. از این رو، موحدان باید تلاش کنند تا از این خصوصیت بهره ببرند و از اهرمهایی همچون: مبارزه با ظلم و استیفای حق مظلوم از ظالم، به عنوان زبان مشترک و قابل پذیرش و دائمی در همه دنیا استفاده کنند. از این طریق عواطف اشخاص، ملتها و دولتها را نسبت به ظلمی که مشاهده می‌کنند، برمی‌انگیزانند. این اقدام در مواجهه با دولت‌های غاصب و مستبد داخلی به شکل دعوت از مردم به تشخیص جنایات آن رژیمها و اذعان به خیانت‌های آنها و سپس اعتراض به سیاستمداران داخلی ظهور می‌یابد. در این راستا، نخبگان جوامع باید تلاش کنند با استفاده از عمومیت قبح ظلم، مردم را به دفاع از

۲۲۵ \blacklozenge بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره)

میهن و منابع انسانی و طبیعی خویش ترغیب کنند. مواجهه با دشمنان بین‌المللی ملت‌های مسلمان و فقیر نیز با رسالت‌هایی همچون شکستن سکوت و ابراز مخالفت، متحد شدن در برابر آنها، اظهار اقدامات عملی ایجابی و سلبی لازم برای توقف یا محدود کردن اقدامات آنها آغاز می‌شود(همان، ج ۱: ۷۸، ۴۲۵؛ ج ۲: ۱۲۵، ۲۸۷، ۴۳۸؛ ج ۱۲: ۱۴۸؛ ج ۲۰: ۹۷). از سوی دیگر، از حقوق اولیه بشر، حق الهی زیستن و استفاده از موهبت نهادینه شدن فرمانهای الهی در جامعه است. بنابر این، انسانها موظف‌اند از طریق تشکیل حکومت الهی، نسبت به تحصیل این موهبت اقدام کنند(ممو، ۱۳۸۸/الف: ۱۷۱، ۱۳۸۵؛ ج ۴: ۴۶۱؛ ج ۲۰: ۳۴۰، ۱۳۸۱؛ ج ۲۱: ۸۶) زیرا تحقق احکام عدالت‌پرور الهی، بدون حکومت دینی عدالتخواه محال است(ممو، ۱۳۸۵؛ ج ۳: ۳۲۲). طی این مسیر، به منزله ایجاد مقدمات و زمینه‌سازی برای رسیدن به حکومت جهانی عدل به دست مستضعفین، به جای حکومت‌های استعماری چپاولگر و رژیم‌های استعمارزده و چپاول‌شده است(همان، ج ۱۲: ۱۴۷-۱۴۸؛ ج ۱۵: ۳۱۵؛ ج ۱۳۸۱: ۳۷).

دو) مبانی فقهی و اهداف و وظایف سیاسی مترتب بر آن

از منظر امام، فقه به معنای «قانون زندگی دنیوی و آخرتی انسان و مسیر تقرّب به پروردگار، بعد از علم به معارف» است.^۱ بنابر این تعریف، با پابندی به قوانین علم فقه، ضمن آبادانی دنیا، سعادت در زندگی جاوید آخرت نیز تأمین می‌شود(ممو، ۱۳۷۱: ۱۳۶۳؛ ۳۹۵، ۳۹۶). فقه اسلامی به دلیل خاستگاه الهی آن، بر تمامی شئون فردی و اجتماعی دخالت و نظارت دارد و اقتضای مدیریت کلان مادی و معنوی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع بشری را دارد. به واسطه علم فقه می‌توان نسبت به هدایت نوع بشر به سمت پیشرفت مادی و سعادت معنوی و رفع موانع تکامل به طور کامل اقدام کرد(ممو، ۱۳۸۵؛ ج ۲۱: ۴۰۳-۴۰۲). فقه، غنی‌ترین قانون پاسخگو به همه نیازهای انسان را از جانب شریعت برای بشریت به ارمغان آورده است(همان، ج ۳: ۲۳۸، ۲۳۹؛ ج ۶: ۴۱-۴۲). از این رو، تلقی نظریه استقلال فقه و زندگی سیاسی، در حکم عدم شناخت اسلام و بلکه جنگ با اسلام است(همان، ج ۴: ۲۰-۱۹). بر این اساس، فقه در اداره همه شئون و مسائل زندگی سیاسی نقش هدایتگری دارد؛ به گونه‌ای که قلمرو اختیاراتی که به واسطه فقاهت در اختیار فقیه قرار می‌گیرد، اهداف و مقاصد سیاست الهی را نیز محقق می‌کند. فقیه با اشراف بر قانون و نظارت کامل بر تمامی قوای حاکمیتی حکومت و هدایت آنها، مسئول تحقق اهداف حکومت اسلامی و ضامن تحقق غایبات سیاست الهی در حد توان است(برهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۳-۱۶۷). از این رو، ویژگی‌های اجتهادی خاص مد نظر امام، «فقه حکومتی» است(ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۸/ب، ج ۲: ۶۱۷-۶۱۹؛ ۱۳۸۵؛ ج ۱۹: ۵۰-۴۹). مطابق این رویکرد، فقیهان بایستی احکام استنباط شده فقهی را در یک نظام سیاسی که عهده‌دار تدبیر و اداره جامعه است(مقام اثبات) اجرا کنند(خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۷۱-۷۰).

۱. هو قانون المعاش و المعاد و طریق الوصول إلى قرب الرب بعد العلم بالمعارف.(امام خمینی، ۱۳۸۴: ۱۲)

۲۲۶ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۸۲

بر اساس دیدگاه فقهی امام، ظلم‌پذیری و ظلم کردن، هر دو حرام است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۶۴؛ ج ۱۵: ۱۱۷). از سویی دیگر، بر اساس ادله فقهی، تلاش برای تحصیل قدرت و تشکیل حکومت از «واجبات مطلق» است، نه واجب مشروط. این بدان معناست که تحصیل قدرت، «شرط واجب» است نه شرط وجوب (همو، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۸). بنابر این دو مقدمه، چنانچه مکلفان در حال تخاطب به این حکم شرعی، قدرت ادای وظیفه خود را نداشته باشند، اما بتوانند کسب قدرت کنند؛ بر آنان واجب است که با کسب قدرت، واجب را انجام دهند. طبق این بنا، عدم قدرت فعلی برای تغییر شرایط موجود در جوامع انسانی، باعث برائت ذمه مشرّعان نمی‌شود و مردم به زعامت علما بایستی قدرت مبارزه با ظلم و اقامه عدالت را برای خود فراهم آورند (همان: ۱۱۶).

با توجه به گستره حضور فقیه و فقاها در ساحت اجتماع، کارکرد عملی فقه به واسطه حکومت اسلامی می‌تواند و باید در تمامی ابعاد گوناگون زوایای زندگی بشر تبلور یابد. بدیهی است فقه تا وقتی که به واسطه در دست گرفتن اداره مردم، در زندگی عملی انسانها حضور نداشته باشد و در مقابل معضلات و مسائل اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی گوناگون جامعه، راهکار عینی و اجرایی نداشته باشد یا نتواند راهکاری را ارائه کند؛ نمی‌توان آن را قانون واقعی اداره زندگی انسان قلمداد کرد (همو، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۲۸۹). از این رو، امام با عنایت به رویکرد خویش در فقه حکومتی و شرط ندانستن قدرت در تکلیف، اعمال ولایت فقیه را به عنوان تنها راهکار نجات بشر از دیکتاتوری طاغوت و تضمین کننده اجرای احکام سعادت بخش دین مطرح می‌کند (همان، ج ۵: ۳۸۸؛ ج ۱۰: ۲۲۵؛ ۱۳۶۳: ۳۶؛ ۱۳۸۱: ۲۵، ۳۵). مطابق حکمت الهی، خداوند در رها نماندن انسانها در حین عدم دسترسی به وحی، در عصر غیبت، ولایت را برای فقیه تقریر فرموده و بر فقیه جامع‌الشرایط واجب است برای کسب قدرتی که بتواند با آن این وظیفه را ادا کند، اقدام کند. از سوی دیگر بر مردم نیز واجب است برای تأمین سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسانها ولایت چنین رهبری را بپذیرند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۴۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۳، ۶۸-۶۷).

سه) «عواطف» و اهداف و وظایف سیاسی مترتب بر آن

در منظومه فکری امام، تأثیر متقابل باورهای معرفتی و عواطف به صورت وجود یک رابطه دوسویه مورد تأیید و تأکید است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۲۲). پایه و اساس عواطف، حبّ و علاقه یا بغض و نفرت است و هر حالتی که از عواطف دیگر پدید می‌آید، مبتنی بر همین دو عاطفه حبّ و بغض است (عثمان، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۶۳). از سویی دیگر، ذات انسانی از فطرت عشق به خیر و کمال مطلق سرشته شده است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۱۷). بر این اساس، بیشه‌های زندگی سیاسی و رسالت‌های ناشی از آن با فطرت الهی انسان در تأثیر و تأثر متقابل قرار دارند. التزام امام به لوازم فطرت انسانی، نمایانگر حضور عواطف همسو با باورهای زندگی سیاسی است. قلب انسان مرکز حقیقت فطرت و دارای دو وجهه متمایل به عالم غیب و روحانیت و وجهه متمایل به عالم شهادت و طبیعت است (همو، ۱۳۷۷: ۷۸). وجهه متمایل به عالم غیب، فطرت مخموره یا همان فطرت نخستین

بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره) ♦ ۲۲۷

است که مبدء خیرات، بلکه خود خیر و کفیل سعادت مطلق انسانی است(همان: ۸۳-۷۸؛ ۱۳۷۲: ۲۸۸) و وجهه متمایل به عالم شهادت و طبیعت، فطرت محجوبه است که نتیجه محجوب شدن نفس از روحانیت و عالم اصلی خود است. این احتجاب در اثر اشتغال به کثرات و دلبستگی به دنیا و مصادیق متعدد آن و به واسطه اشتباه در تشخیص کمال مطلق رخ می دهد (همو، ۱۳۷۷: ۸۳-۷۷؛ ۱۳۷۱: ۱۲۲).

از جمله لوازم متعدد فطرت مخموره، محبت به خلق خدا و تواضع در برابر آنان، استقامت، شجاعت، رجا و توکل است. نخستین قدم تغییر شرایط دنیای خارج، خودسازی است که مقدم بر همه جهادهاست و شاخص الهی شدن و الهی باقی ماندن جهاد است. شکست طاغوت‌های بیرونی، نتیجه انقلاب در عواطف مبارزان و مجاهدانی است که ابتدا به قیام در برابر نفس طاغوتی خویش پرداخته‌اند(همو، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۸۲؛ ج ۷: ۵۴؛ ج ۸: ۴۳، ۲۸۴، ۳۰۰، ۴۸۶-۴۸۵؛ ج ۱۶: ۸۴، ۴۸۵). امام، خود با تخلّق به صفات الهی می کوشد با ترویج فضایل روحانی، از قدرت بی‌بدیل عواطف انسانها برای تحقق آرمانهای الهی بهره‌مند شود. بر اساس فطرت محبت به مردم، رسالت بزرگ «مسئولیت‌پذیری» و «احساس تکلیف نسبت به انسانها» بر تمامی وظایف نشئت گرفته از بینشها سایه می افکند و به نحوی بر همه آنها قیومیت می یابد؛ زیرا هیچ چیز مثل طرح دوستی و مودت نمی تواند دل مردم را به دست آورد و آنان را از سرکشی و طغیان بازدارد(همو، ۱۳۸۸/الف: ۲۲۱). امام، همواره در اندیشه، رفتار و مدیریت سیاسی، اعتدال را مطالبه می کند؛ نه ناامید شدن را می پذیرد و نه به شرایط ایجادشده برای اسلام و نظام اسلامی دل خوش می کند؛ بلکه همواره به مقاومت برای ارتقا به شرایط بهتر و رسیدن به اهداف بالاتر امیدوار است و امیدواری می دهد(سلیمان، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹). از آنجا که فقر، ذلت، عجز و منت از حرص و طمع به مخلوق ضعیف است و غایت عزت و عظمت در قطع اعتماد و سلب امید از همه است(امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۲۰)، امام با تقویت فطرت توکل به خدا، جوامع مسلمانان را به سمت استقلال و خودکفایی سوق می دهد. ایشان با عنایت به اینکه ترس، قلت ثبات و راحت طلبی در ساحت زندگی سیاسی، به سستی، بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی به سرنوشت مردم می انجامد(همان: ۲۴۳؛ همو، ۱۳۷۱: ۱۳۵)، نسبت به نهادینه کردن احساس نترسیدن از مرگ در جامعه، به عنوان یک فضیلت نفسانی اقدام می کرد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۷؛ ج ۱۱: ۵۰۵).

از جمله لوازم متعدد فطرت محجوبه، حبّ نفس و حبّ دنیا است. از مهم ترین دلایل مبارزه با فطرت محجوبه این است که با وجود حبّ دنیا و حبّ نفس، شیطان بر اساس باورهای افراد برای آنان وظایف شرعی تعیین می کند و آنگاه تشخیص این وظایف از وظایف الهی مشکل خواهد بود(همو، ۱۳۸۷: ۳۱). محبّ دنیا از جمیع فضائل نفسانی لازم برای زندگی سیاسی متعالی محروم می شود؛ شجاعت، عفت، عدالت، عطوفت و محبت به دیگران، طمأنینه و عزت نفس و سکونت خاطر با حبّ دنیا قابل جمع نیست؛ چنانچه فهم باورهای معرفتی - الهیاتی، حق جویی و حق بینی با حبّ دنیا متضادند(همو، ۱۳۷۲: ۴۹). هر چه فطرت محجوبه در افراد تقویت شود، عزم و اراده آنان سست می شود و به تبع، توان ادای وظایف در آنان کاهش

۲۲۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۸۲

می‌یابد(همو، ۱۳۷۱: ۱۲۵). بنابر این، امام صفای قلوب را مقدمه شکست حکومت دشمنان و رمز پیروزی‌های جبهه حق اعلام می‌کرد (همو، ۱۳۸۵: ج ۵؛ ۲۸۲؛ ج ۱۱؛ ۳۶۹؛ ج ۱۶؛ ۸۴، ۴۸۵).

چهار) «شرایط محیطی» و اهداف و وظایف سیاسی مترتب بر آن

۱) موقعیت خانوادگی

امام در خانواده‌ای اهل علم، مبارزه و هجرت، دیده به جهان گشود. پدرش، سید مصطفی که به خاطر مقام علمی به «فخرالمجتهدین» مشهور بود، شخصیتی بانفوذ، شجاع و حساس در برابر ستمگران و تجاوزگری بود و در این راه به دست اشرار منطقه خمین به شهادت رسید. این اتفاق می‌توانست در ایجاد روحیه نفرت و انزجار از روابط ظالمانه اقتصادی و اجتماعی تا تبدیل شدن به مبنایی نظری در فقاهاش ایشان و استقامت برای تحقق آرمانهای آزادی‌خواهانه تأثیر مضاعفی را ایجاد کند؛ تا آنجا که به اصل بی‌چون‌وچرای دفاع از مستضعفان در برابر مستکبران در تمام زندگی سیاسی ایشان جلوه‌گر شد (رجبی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۸).

۲) جایگاه علمی و اجتماعی

نبوغ و جایگاه علمی امام نقش بسزایی در پدیدآوری سبک و تثبیت آن داشته است. شهرت در علوم عقلی و مقامات معنوی ایشان در کسوت یک استاد عرفان بر نفوذ کلام ایشان می‌افزود. تدریس اخلاق وسیله‌ای برای تشریح جامعیت اسلام و آماده ساختن دانش‌پژوهان اسلامی برای پذیرش مسئولیت و کسب حس غنای فکری و روحی در جهت یک مبارزه خستگی‌ناپذیر بود. این متعلمین به نوبه خود سایر اقشار اجتماعی را آگاه و توده‌ها را برای نبرد، بسیج می‌کردند(الگار، ۱۳۸۰: ۲۰۰). در موضوع فقاهاش امام، عنوان «مرجعیت تقلید» کمک شایانی به پذیرش سبک توسط توده مردم داشته است؛ به این ترتیب که اعتبار امام بر پایه تقلید مخاطبانش از وی بنا شد و زبان رهبری ایشان نیز زبان «تکلیف مردم» مقرر شد. این خصوصیتی است که فقط در رابطه بین مرجعیت و مکلفین یافت می‌شود و امام در نهایت فراست از آن بهره برد تا بینشهای نظری‌اش در قالب یک سبک در بین مردم نهادینه شود (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۳۶-۱۳۵).

۳) شرایط سیاسی روز حاکم بر جهان

تصور امام از شرایط سیاسی روز جوامع اسلامی و بلکه شرایط حاکم بر زندگی سیاسی بشر، به تقویت انگیزه‌های او و مخاطبانش منجر می‌شود. از منظر امام، در عصر حاضر با توطئه‌های دشمنان، دولتها و ملت‌های اسلامی به اسارت کشیده می‌شوند و ذخایر مادی و معنوی مظلومان و محرومان جوامع بشری به غارت برده می‌شود. دشمنان درصددند با حیل‌ها و توطئه‌های شیطانی از رشد اخلاق انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم جلوگیری کنند تا وابستگی فکری و اقتصادی این کشورها، روزافزون شود و هر ندای آزادی‌خواهانه‌ای را در سینه خفه کنند(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴؛ ۳۹۳؛ ج ۱۰؛ ۲۲۹؛ ج ۱۷؛ ج ۱۹؛ ۳۴۱). در این شرایط نمی‌توان به سیره سلف صالح اکتفا کرد؛ زیرا قدرتهای متجاوز و نامشروع شرق و غرب برای نابودی اسلام

۲۲۹ \blacklozenge بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره)

و همهٔ مظاهر ملی، فرهنگی، دینی و سیاسی ملت‌های مسلمان و تمامی حیثیات اسلامی، با یکدیگر متحد شده‌اند؛ بت‌پرستی مدرن در قالب تحمیل استعمار نوین بر سراسر ممالک اسلامی و ناموس مسلمین و جهان سوم سیطره یافته است. در برابر همهٔ توطئه‌های بزرگ‌ترین طاغوت ادوار زندگی بشر، ام‌الفساد و شیطان بزرگ، آمریکا، نخبگان جوامع مکلف‌اند با شکستن پت‌های بزرگ کفر، تجاوزگری و نژادپرستی توحید را به جای شرک و عدالت را به جای بیدادگری جایگزین کنند (همان، ج ۱: ۱۸۷؛ ج ۱۰: ۴۸۹؛ ج ۱۱: ۸۸، ۱۲؛ ج ۱۶: ۲۰؛ ج ۳۱۶-۳۱۷؛ ج ۲۱: ۶۹).

۲. برهمکنش تلقی از سیاست و باورهای حاکم بر زندگی سیاسی

نوع نگرش و اهداف و جهت‌گیری‌ها نسبت به سیاست و وظایفی که در این ساحت لحاظ می‌شود، تعیین‌کنندهٔ نوع تصمیمات و جهت‌گیری‌های سیاسی در معرکهٔ عینی رفتارهای سیاسیون است. علاوه بر این، تلقی از سیاست به صورت هم‌سنخ و در طول باورها، اهداف و وظایف کلی زندگی، بخش مهمی از باورها و وظایف و اهداف کلان سبک زندگی را تشکیل می‌دهد. از این رو، از دیگر شروط تحقق سبک، احراز همترازی و همسویی معنای سیاست و اهداف و وظایف مترتب بر آن با سایر باورهای حاکم بر زندگی سیاسی است.

امام با طرح رویکردهای متفاوت در فهم از زندگی سیاسی و طرد «سیاست شیطانی» و «سیاست دنیایی»، «سیاست الهی» را برمی‌گزیند؛ زیرا به نظر ایشان، زندگی سیاسی منطبق بر سیاست الهی در مسیر تحقق غایت رسالت انبیاست (همو، ۱۳۸۱: ۱۴۰؛ ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۳۳-۴۳۱؛ ج ۲۱: ۴۰۷). در چنین زندگانی‌ای بایستی علاوه بر برخورداری از خصایص مطلوب سیاست دنیایی در توجه به رفاه و مصالح مادی، درصدد تهذیب نفوس جوامع بشری نیز برآمد (همان، ج ۶: ۴۶۷). سیاست الهی همچون قواعد ثابت ریاضی، با دستگیری از انسانها در مسیر هدایت و کمال جامعه به صورت همیشگی و فراگیر، سعادت واقعی همهٔ انسانها و جوامع را تأمین می‌کند (همان: ج ۵: ۳۸۸؛ ج ۲۱: ۴۰۵). اهداف مهم زندگی در ساحت چنین سیاستی، عبارتند از: منع از سیطرهٔ استعمار، استثمار و استعباد انسانها؛ ممانعت از گسترش فقر، فحشا و تبعیض؛ بسط آزادی و استقلال ملتها؛ اجرای فرامین اجتماعی الهی همچون: حدود، قصاص و تعزیرات و در نهایت، برقراری جامعهٔ توحیدی (همان، ج ۷: ۴۷۱). بر اساس چنین سیاستی، فراهم کردن شرایط وصول به این اهداف و رقم خوردن زندگی سیاسی مبتنی بر آن، برای همهٔ بشریت از بزرگ‌ترین واجبات و از والاترین عبادات است (همان، ج ۲: ۶۲؛ ج ۴: ۱۰؛ ج ۹: ۲۲۴). از این رو، این سیاست به خلاف سیاست شیطانی در تمرکز بر جمع‌آوری ثروت، قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی موظف به هدایت افراد به سمت همهٔ مصالح منظور شده برای انسان است (همان، ج ۱۳: ۴۲۲؛ ج ۲۱: ۴۰۷؛ همو، ۱۳۸۸/الف: ۲۴۷). بر اساس این دو مسیر، به حکم عقل و شرع، وظیفهٔ سیاسی موحدان، ممانعت از تداوم حکومت‌های ضد اسلامی یا غیر اسلامی است؛ بلکه در هیچ نقطه‌ای از دنیا، مدیریت انسانها نباید حق سلاطین و فاسقان دانسته شود (همان، ج ۴: ۴۶۱؛ ج ۵: ۴۵۸؛ ۱۳۸۱: ۳۶-۳۵). این همسویی و بلکه تأثیر متقابل معنای

سیاست و اهداف و وظایف زندگی سیاسی مترتب بر آن با سایر باورهای حاکم بر زندگی سیاسی را بایستی مدلول اندیشه امام در جامعیت قلمرو فقه، تعادل بین دنیا و آخرت، عدم استقلال فقه از زندگی سیاسی دانست.

۳. لزوم سبک‌پذیری عموم مردم از سبک زندگی سیاسی

تحقق سبک زندگی سیاسی، منوط به سبک‌پذیری مردم از آن است؛ در مقابل سبک‌سازی صاحب سبک، سبک‌پذیری عوام قرار دارد که هرگز نمی‌تواند همچون سبک‌سازی قدرت آفرینشگری داشته باشد. در جریان سبک‌پذیری، فرد پیرو با یافتن نکات برجسته آن سبک، ذائقه‌ها، ارزشها، بینشها و اهداف از پیش پذیرفته خود را با صاحب سبک یکسو می‌پندارد. آنان با آشنایی با شکل بیرونی سبک، راه‌های صاحب سبک را در حل بحرانهای پیش روی جامعه درمی‌یابند؛ زیرا افکار اصلی سبک در قالب اجزای تجسم‌یافته آن مستتر است؛ ضمن اینکه تخلُّق و التزام عینی صاحب سبک به سبک خویش نیز باعث عظمت سبک در منظر سبک‌پذیران و تبعاً تأثیرپذیری تام و کامل آنان می‌شود. از این رو برای تبعیت، مترصد و قوف به مبانی و اصول علمی قوام‌بخش آن سبک نمی‌مانند، بلکه خود هویت صاحب سبک، حجیت‌بخش سبکش در انظار پیروانش خواهد شد (بهار، ۱۳۷۶: ۱۹). فرایند این سبک‌پذیری بدین شکل است که اقدامی خاص از جانب صاحب سبک ممکن است به نمایندگی از تمامی ویژگی‌های سبک او اتفاق بیفتد یا آن اقدام بتواند نمونه‌ای از تمامی ویژگی‌های سبک او را محسوب شود. جذابیت پدید آمده از رفتارهای صاحب سبک، به گونه‌ای است که گروهی از همعصران و متأخرین خویش را به سبک خود معطوف می‌کند. راهکارهای سبک برای برون‌رفت از مشکلات سیاسی، هر چه متعالی‌تر باشد؛ اشتیاق سبک‌پذیران بیشتر برانگیخته می‌شود و این اشتیاق به قدرت یافتن سبک منجر شود. صاحب سبک با کسب این قدرت، ضمن همسو ساختن پیروان خود، آنان را با اعطای هویت و شخصیتی جدید متحول می‌کند (ویال، ۲۰۰۰: ۴۰؛ فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). با بسط این قدرت فرهنگی در جامعه، صاحب سبک به در اختیار گرفتن شبکه‌های اجتماعی گسترده همسو با سبک خود نایل می‌شود و برای خود و سبک‌پذیرانش مرزهای فکری و فرهنگی جدیدی ایجاد می‌کند (لامونت، ۱۹۹۶: ۳۴؛ شیز، ۱۹۸۷: ۲۵۳-۲۶۰). به مرور زمان و گسترش و تداوم رفتارهای خاص صاحب سبک، طرفداران آن سبک نه تنها خود را در قالب الگوهای موجود در آن سبک می‌شناسند، بلکه جهان پیرامون خود را نیز با توجه الگوهای دریافتی از آن سبک تجربه می‌کنند (کوکران، ۱۹۹۷: ۳۲۷-۲۳۷). بدین شکل، صاحب

۱. هنر و ادبیات خاستگاه مفهوم سبک است و وجود سبک در آثار انسانی، مصداقی از سبک در کلیت زندگی انسانهاست؛ از این رو، با تنقیح مناط و الغای خصوصیت می‌توان از سبک در این دو حوزه در سایر موارد مربوط به انسان بهره برد. چنانچه سوبل کتاب خود را با عنوان «سبک زندگی و ساختار اجتماعی» با همین پیش‌فرض قابلیت تسری داشتن سبک نگاشته است (سوبل، ۲۰۱۳: ۲-۱).

۲۳۱ **◇ بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره)**

سبک به تفوق و سیطره عمومی بر پیروان خود دست می‌یابد. با افزایش این سیطره، اجماعی فراگیر بر حقیقت و ضرورت ساختاری آن سبک در بین مردم پدید می‌آید. در این هنگام، سبک به عنوان یک حقیقت، در میان مخاطبان خویش تسلط و ماندگاری می‌یابد(هائیند، ۲۰۰۰: ج ۲۹: ۲۹۴). این تسلط که بدون استفاده از هر گونه فشار و زور است، به معنای رهبری صاحب سبک و رضایت سبک‌پذیران از رهبری اوست(جوزف، ۲۰۰۳: ۱). با تثبیت رهبری صاحب سبک و تبعیت گسترده سبک‌پذیران، او می‌تواند برای تحقق آرمانهای والاتر خود، سبکش را تثبیت کند. بنابر این، سبک زندگی سیاسی صرفاً با سبک‌پذیری مخاطبان و پیروان صاحب سبک آن سبک استقرار می‌یابد. از این رو، به زندگی سیاسی سبک‌پذیران نیز می‌توان سبک اطلاق کرد؛ زیرا آنان با پذیرش هویت جدید طراحی شده از جانب صاحب سبک، قوام‌بخش تحقق سبک او شده‌اند.

امام در طول زندگی سیاسی خود توانست توده‌های عظیمی از مردم را با خود همراه کند؛ چنانچه رهبر معظم انقلاب درباره حضور مردم در ایجاد و تثبیت انقلاب به رهبری امام می‌گوید: «این انقلاب به وسیله مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که نترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

بر این اساس، با لحاظ رسیدن به شرایط لازم در سبک، می‌توان برخوردار بودن زندگی سیاسی امام از سبک را ممکن دانست.

(د) ضرورت سبک زندگی سیاسی

ضرورت تثبیت سبک در زندگی سیاسی امام، مسئله تداوم رسالت انسان کامل توسط سالک الهی است. با اثبات ضرورت وجود انسان کامل، رسالت او در مدیریت بشر، در زمان عدم دسترسی مردم به ایشان بر عهده سالک الی‌الله قرار می‌گیرد. یکی از دلایل ضرورت وجود انسان کامل، وجه وساطت او میان وحدت غیب و عالم کثرت است. از منظر امام، تمام ذرات هستی از نظر تکوین و تشریح و به سبب وجود یافتن و هدایت شدن، ذیل ولایت و احاطه وجودی انسان کامل است و ایشان واسطه فیض حق و رابطه بین حق و خلق است(امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۳۷). سالک الی‌الله در سیر به سوی خدا، چهار «سفر» را طی می‌کند: نخست، سفر «از خلق به حق» است که با برطرف کردن حجابهای ظلمانی، جمال حق را مشاهده کرده، به عبودیت اقرار می‌کند. ذات، صفات و افعال سالک در سفر دوم که «از حق به سوی حق با حق» است، در ذات و صفات و

افعال حق فانی می‌شود. در سفر سوم که «از حق به خلق» است، سالک به ابقای الهی باقی می‌ماند و در عوالم «جبروت» و «ملکوت» و «ناسوت» سفر می‌کند. سالک در سفر چهارم که «از خلق به خلق با حق» است، به مثابه پیامبر تشریحی مطرح می‌شود که صلاحیت دستگیری از خلائق نصیبش می‌شود؛ مخلوقات و آثار و لوازشان را مشاهده می‌کند؛ ضرر و نفع و نحوه بازگرداندن آنان به خداوند را می‌شناسد و از آنچه بندگان را به سوی خدا می‌کشاند یا مانع حرکت به سمت او می‌شود، آگاه می‌شود (همو، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۷، ۱۳۷۲: ۲۲). با این علم، او می‌تواند خلق را به مقام جمع دعوت کند. چنین شخصی، صلاحیت تشکیل مدینه فاضله استوار بر حق و حقیقت را دارد و شأن اوست که در جمیع شئون اجتماع بشری مداخله کند (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۶۸). از این رو، در این خلافت ظاهری، شخص علاوه بر برخورداری از خلافت معنوی، با حاکمیت و سلطنت ظاهری موظف به اجرای اوامر و نواهی الهی در ضمن مدیریت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زندگی بشر است.

حضرت رسول (ص) اصالتاً و جانشینان معصوم (ع) ایشان به طریق متابعت و تبعیت، به مثابه مصادیق حقیقی انسان کامل و تجلی خلافت و ولایت الهی‌اند، بلکه اساس خلافت در همه عوالم انسانی از همین خلافت سرچشمه می‌گیرد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۴۷؛ امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۷). از این رو، معصومین (ع) که متحققان به حقیقت اسفار اربعه‌اند، در سفر چهارم خویش می‌توانند مشکلات اجتماعی را بگشایند، بلکه دستگیری حداکثری از مردم در تصدی مدیریت اجتماعی و سیاسی جامعه و در ضمن تبیین و اجرای قوانین الهی و برپایی عدالت، تبلور می‌یابد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۴۵). از منظر امام، پس از مقام انسان کامل، همان گونه که مفهوم ولایت دارای مراتبی است (امام خمینی، بی‌تا: ۴۱-۳۹)؛ انسان متکامل در پرتو هدایت و تربیت انسان کامل نیز از این مراتب برخوردار است و هر یک به همان اندازه‌ای که کمالات و ویژگی‌های نیک را تحصیل کرده باشد، نسبت به افراد دیگر ولایت می‌یابند. سالک متکامل نیز پس از طی مراحل چهارگانه اسفار خودسازی عرفانی و برانداختن حجابها به مقامی در طول مقام انسان کامل می‌رسد و در این مرحله بایستی در راستای ادای دو رسالت هدایت عقیدتی و تدبیر اجتماعی - سیاسی خویش، با دستگیری از خلق و هدایت آنها به سوی سعادت دو جهانی، به مرحله چهارم کمال خود نایل شود (همو، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷، ۱۳۸۵: ۱۸: ۲۰۶). از این رو، انسان متکامل در مقام ولایت سیاسی - اجتماعی، نمودی از انسان کامل است که بر اساس اقتضات زمان و ظرفیتهای وجودی خویش، آن ولایت را اظهار می‌کند. (ر.ک: همان، ج ۲۰: ۱۱۶-۱۱۳)

امام به عنوان نزدیک‌ترین افراد به معصومین (ع)، سفر سه‌گانه را نخست به عنوان جهاد اکبر در درون خود به نوبه خود به کمال رساند و در سفر چهارم، انقلابی را آفرید و آن را تنها راه سعادت و صلاح جوامع معرفی کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۸۹، ۱۳۸۱: ۱۴۶). از این رو، با توسعه در قلمرو ولایت ظاهری، در زمان غیبت با بهره‌گیری از ولایت باطنی امام غایب (عج)، اقدام سیاسی ایشان برای تحقق آرمانهای خلافت الهی ضرورت می‌یابد (جلالی، ۱۳۷۸: ش ۹۴ و ۹۵). ایشان سرسپردگی به آستان ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را

۲۳۳ **◆** بررسی امکان و ضرورت سبک زندگی سیاسی امام خمینی(ره)

الگوی علمی و عملی زندگی سیاسی معرفی می‌کند(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۹۷-۳۹۶). در راستای تحقق این ولایت، مردم نیز در جامعه توحیدی بایستی در خدمت تعالیم انسان کامل قرار گیرند و همه به منزله اعضای او بشوند(همان، ج ۱۲: ۳۵۱). ساختن چنین جامعه‌ای و اعمال ولایت بر مردم بدون مدیریت و اقتدار اجتماعی، در سایه برقراری یک نظام سیاسی الهی مقدور نیست. بر اساس این الگو، امام از مردم می‌خواهد به تاسی از انبیا و اولیای الهی برای تبیین و احقاق حق و نیز تقبیح و ابطال باطل به پا خیزند(همان، ج ۲: ۳۲۶، ج ۱۱: ۹۷). از این رو، برقراری و رهبری حکومت اسلامی امام در ایران، نتیجه طبیعی و تاریخی مرحله پایانی سلوک ایشان در بازگشت از اسفار اربعه خویش به عالم کثرت دانسته می‌شود که در این مرحله، وظیفه هدایت، راهنمایی و رهبری انسانها بر عهده ایشان گذاشته می‌شود(نمادار، ۱۳۸۴: ۲۵؛ ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۹۲). این امر در گرو رسیدن به انقلابی همه‌جانبه است که بدون دست یازیدن به یک سبک در زندگی سیاسی، امکان پذیر نخواهد بود؛ سبکی که علاوه بر برخورداری از عوامل بینشی، عاطفی و محیطی سازنده اهداف، شیوه‌های مواجهه با رسالت‌های خود را به صورت اقداماتی بدیع و شالوده‌شکنانه و همراه با ارائه راهکارهای خلاقانه و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی به منصف ظهور رساند (عنوانی، ۱۳۹۶: ۹۷).

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

ظهور و بروز سبک در ساحت زندگی سیاسی، متوقف بر احراز امکان و ضرورت ایجاد آن است. برای اثبات امکان بهره‌مندی امام از سبک زندگی سیاسی، وجود عوامل سبک‌ساز در زندگی سیاسی ایشان لازم است. برخوردار شدن از سبک زندگی سیاسی، مستلزم برخورداری صاحب سبک از التزام به تکالیف سیاسی است. این تکالیف، حاصل اهداف استنتاج‌شده از نگرشهای متأثر از عواطف و اقتضائات محیطی و همچنین سبک‌پذیری توده مردم است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در زندگی سیاسی امام این مراحل به طور کاملاً مشهود وجود دارد. با احراز امکان تحقق سبک، ضرورت تثبیت سبک در زندگی سیاسی برای امام، بر اساس مسئله ضرورت جانشینی فقیه جامع‌الشرایط از انسان کامل مطرح می‌شود. در منظومه فکری امام، انسان متکامل همان فقیه سالکی است که پس از طی مراحل چهارگانه اسفار خودسازی عرفانی و برانداختن حجابها، به مقامی در طول مقام انسان کامل می‌رسد و در این مرحله، بایستی با دستگیری از خلق و هدایت آنها به سوی کمال، به مرحله چهارم کمال خود نایل شود. برقراری و رهبری حکومت اسلامی امام در ایران، نتیجه طبیعی و تاریخی مرحله پایانی سلوک ایشان در بازگشت از اسفار اربعه خویش به عالم کثرت است. این امر در گرو رسیدن به انقلابی همه‌جانبه است و چنین انقلابی بدون پی‌ریزی و تثبیت یک سبک جدید از زندگی سیاسی مقدور نیست.

امکان تحقق سبک زندگی سیاسی امام، ریشه در نگرش فقهی و فلسفی امام دارد؛ ولی آنچه منجر به ضرورت وصول به سبک زندگی سیاسی در پی‌ریزی و رهبری یک انقلاب مردمی - الهی شد، ناشی از

مقامات عرفانی امام بوده است. تنها چنین سبکی از زندگی سیاسی است که به تأسیس حاکمیت حق به نفع مستضعفان و جلوگیری از جور و اقامه عدل و قسط در زندگی سیاسی می‌انجامد.

از آنجا که سبکها به لحاظ نوع محتوا، در مرتبه و منزلت واحد نیستند و به تعبیری تشکیکی‌اند؛ به هر میزان منزلت یک سبک به لحاظ ارائه اندیشه‌های ناب و توجه به عواطف انسانی رفیع باشد، بر عمق اثرپذیری از آن سبک و نیز بر وفاداری و تعداد پیروان آن سبک افزوده می‌شود (ویلسکا، ۲۰۰۲: ۲۰۸). برتری سبک به مواردی همچون: حقانیت و علو عناصر و عوامل سازنده آن، تناسب با فطرت انسانی، توجه به همه ابعاد وجودی انسان و همه عرصه‌های حیات او بستگی دارد. پس سبکهای فاخر، مخصوص فرهیختگان جوامع است که گاه با نام بارزترین سبک زندگی و در برابر آن، سبکهای کمتر مشخص، توده‌ای یا حاشیه‌ای نام برده می‌شود (همان). فراگیر شدن ظهور موج بیداری اسلامی بر اساس سبک زندگی سیاسی امام در جریان انقلاب اسلامی ایران سبب شده است تا سبک زندگی سیاسی ایشان را از فاخرترین سبکهای این ساحت از زندگی بشر لقب داد. از دیگر وجوه برتر این سبک آن است که تکوین سبک زندگی سیاسی که مبتنی بر ارائه مبانی فکری و نظری صاحب سبک باشد، برای کمتر کسی از اسطوره‌های بشری تجربه شده است.



منابع

- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری. تهران: امیر کبیر.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریبات فلسفه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الگار، حامد و صدرالدین موسوی (۱۳۸۰). «توکیب ابعاد سیاسی و عرفانی در شخصیت امام خمینی(س)». متین، ش ۱۱-۱۲: ۲۰۶-۱۹۳.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲). آداب‌الصلوه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). الاجتهاد و التقليد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸/ب). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸/الف). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (بی تا). تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الأئس. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). جهاد اکبر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ چهارم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ چهارم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳ ق). کشف الاسرار. [بی جا]: [بی نا].
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ یازدهم.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام». دانش سیاسی، دوره ششم، ش ۱۲: ۷۲-۴۳.
- برهانی، جعفر (۱۳۸۷). جایگاه روحانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۶). سبک‌شناسی. تهران: مجید.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۸). «نظریه انسان کامل از عرفان ابن عربی تا عرفان امام خمینی». حوزه، ش ۹۵-۹۴.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت. تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). بنیان مرصوص. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، قم: اسراء.
- جوادی آملی، مرتضی (۱۳۸۱). «اسفار اربعه از دیدگاه عرفا و حکماء». مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- خالقی، احمد (۱۳۸۲). قدرت، زبان، زندگی روزمره. تهران: گام نو.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷). حدیث ولایت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- رجیبی، محمدحسن (۱۳۷۷). زندگی‌نامه امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سلیمانیان، حسن علی (۱۳۹۰). «انسان در اندیشه امام خمینی». حکومت اسلامی، سال شانزدهم، ش ۶۰: ۵۷-۸۴.
- عثمان، عبدالکریم (۱۳۶۰). روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی. ترجمه سید محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عنوانی، سید حامد و همکاران (۱۳۹۶). «رویکرد سیستمی در تعریف سبک زندگی». معرفت فرهنگی / اجتماعی، ش ۳۳: ۱۰۰-۸۱.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
- لفتویج، آدریان (۱۳۸۷). تحولات جدید در علوم سیاسی. ترجمه احمد موثقی. تهران: میزان.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۹). «رابطه امام خمینی و مردم در انقلاب اسلامی». دانشگاه تهران، ش ۴۷: ۱۲۹-۱۵۲.
- معافی، مهدی (۱۳۹۲). «تحویل انسان به شهروند». سوره اندیشه، ش ۷۱-۷۰.
- نامدار، مظفر (۱۳۸۴). «امام خمینی، انقلاب اسلامی و شالوده‌شکنی سيطرة گفتمان رسمی در حوزه سیاست(۳)». پانزده خرداد، ش ۴: ۴۳-۱۳.
- *Algar, Hamed & Seyed Sadrodin Mosavi (2001). "The Combination of Political and Mystical Dimensions in Imam Khomeini's Personality". Matin, 11-12: 193-206.*
- *Ansbacher, H.L. (1967). "Life Style: A Historical and Systematic Review". Journal of Individual Psychology, 23(2): 191.*
- *Ardebili, Seyed Abdolghani (2002). Comments on Philosophy. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini.*
- *Ashtiyani, Sayyid Jalal al-Din (1991). An Exposition of Qaysari's Introduction to Fusus Al-hikam. Tehran: Amir kabir.*
- *Bahar, Mohammad taghi (1997). Stylistics. Tehran: majid pub.*
- *Barzegar, Ebrahim (2010). "Structure of Understanding the Islamic Political Thought". Political Knowledge, 6(12): 43-72.*
- *Borhani, Jafar (2008). The Position of Clergymen in Imam Khomeini's Political Thought. Tehran: Islamic Revolution Document Center.*
- *Boshirieh, hossein (2003). Wisdom in politics. Tehran: neghahe moaser pub.*
- *Cockerham, W.C.; A. Rütten & T. Abel (1997). "Conceptualizing Contemporary Health Lifestyles: Moving Beyond Weber". Sociological Quarterly, V. 38, No. 2: 321-342.*
- *Fazeli, Mohammad (2003). Consumption and Lifestyle. Qom: Sobh-e Sadegh.*

- *Hinde, J.R. (2000). Jacob Burckhardt and the Crisis of Modernity (Vol. 29). McGill-Queen's Press-MQUP.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (1944). The Unveiling of Secrets (Kashf al-Asrar). S.I. & S.n.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (1992). Description of Forty Hadith. 4th Edition. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (1993). Secret of Prayers. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (1998). Description of the Hadith of the Army of Reason and Ignorance. 3rd Edition. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2002). Islamic Government. 11th Edition. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2005). Al-Ejtehad va Al-Taghlid. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2006). Sahifeh-ye Imam. 4th Edition. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2007). The Lamp of Guidance into Vicegerency and Sanctity (Misbah Ut-Hidayah Ilal-Khilafah Wal-Wilayah). Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2009/A). The interpretation of the Surah Al-Fatiha. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2009/B). Al-Bayy. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (non-dated). Comments on the Bezels of Wisdom and Mesbah Al'ons. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini.*
- *Imam Khomeini, Rouhollah (2008). Jihad of the Soul. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of the WorksofImamKhomeini.*
- *Jalali, Gholamreza (1999). "Perfect Man from the Viewpoint of ibn Arabi and Imam Khomeini". Hawzeh, No. 94-95.*
- *Jamshidi, Mohammad Hossein (2001). Theory of Justice. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution.*
- *Javadi Amoli, Abdollah (1996). Solid Foundation. Qom: Asra.*

- *Javadi Amoli, Abdollah (1999).Islamic Government.Qom: Asra.*
- *Javadi Amoli, Morteza (2002)."Four Intellectual Journeys from the Perspective of Mystics and Sages".Conference on the Memorial of Sadrol-Mote'allehin. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Research Institute.*
- *Joseph, J. (2003).Hegemony: A Realist Analysis. Routledge.*
- *Khaleghi, Ahmad (2003).Power, Language and Everyday Life. Tehran: Gam-e-no.*
- *Khamenei, Seyed Ali (1998).Hadith-e Velayat. Tehran: Islamic Development Organization.*
- *Lamont, M.;J. Schmalzbauer, M. Waller &D. Weber (1996). "Cultural and Moral Boundaries in the United States: Structural Position, Geographic Location, and Lifestyle Explanations".Poetics,24(1): 31-56.*
- *Leftwich,Adrian (2008).New Developments in Political Science.Translated by Ahmad Movaseghi. Tehran: Mizan.*
- *Moafi, Mahdi (2013)."From Manhood to Citizenship".Soore Andisheh, 70-71.*
- *Mohammadi, Manoochehr (2000)."Imam Khomeini's Relationship to People During Islamic Revolution".Tehran University, 47: 129-152.*
- *Namdar, Mozafar (2005)."Imam Khomeini, the Islamic Revolution and the Decomposition of Formal Political Discourses (3)". 15 Khordad, 4: 13-43.*
- *Onvani, Seyed Hamed &et.al. (2017)."A Systemic Approach in Defining the Lifestyle".Sociocultural Knowledge, 33: 81-100.*
- *Othman, Abdolkarim (1981).Psychology from the Perspective of Ghazali and Muslim Scholars.Translated by Seyed Mohammad Bagher Hojjati. Tehran: Islamic Propagation Office.*
- *Rajabi, Mohammad Hassan (1998).Biography of Imam Khomeini. Tehran: Document Center.*
- *Salmanian, Hassanali (2011)."Man from the Perspective of Imam Khomeini".Islamic Government, 16(60): 57-84.*
- *Scheys, M. (1987). "The Power of Lifestyle".Loisir et Société/Society and Leisure,10(2): 249-266.*
- *Veal, A.J. (2000). Leisure and Lifestyle. A Review and Annotated Bibliography.Sydney: University of Technology, School of Leisure, Sport & Tourism.*
- *Wilksa, T. A. (2002). "Me-a Consumer? Consumption, Identities and Lifestyles in Today's Finland".Acta Sociologica,45(3): 195-210.*

